

تهران مصور

پدر کامیون سازی ایران که بود؟



اصغر قندچی، کار آفرین مشهور و پدر صنعت کامیون سازی که مؤسس بزرگ ترین کارخانه تریلر و کامیون در ایران بود، ابتدا در یکی از گاراژهای اطراف میدان قزوین فعالیتش را شروع کرد، اما مدتی بعد و با رونق گرفتن صنعت کامیون سازی در پایتخت کارخانه ای در حوالی امامزاده معصوم (ع) راه انداخت. دوران درخشان قندچی به عنوان کار آفرین و صنعتگر ممتاز در برانکس رقم خورد و ایده های او برای ساخت کامیون های ایرانی در همین محله عملی شد. او نخستین کامیون را ساخت و در نمایشگاه دستاوردهای صنعتی ایران خودروهای ساخت خودش را به نمایش گذاشت. اصغر قندچی با پروانه ساخت کامیون در ایران کار خود را شروع کرد. پس از آن کار قندچی گرفت و به صنعتگر تبدیل شد. نام کارخانه را از شخصیت کاوه اهنگر گرفت و به عشق وطنش آن را «ایران کاوه» نامگذاری کرد. شرکت ماک آمریکا هم برای نخستین بار، خارج از خاک آمریکا حاضر به همکاری با اصغر قندچی شد. تلاشی که او برای بهبود کیفیت قطعات ماک انجام داد باعث شد کامیون های ماک ساخت ایران بهتر از ماک های وارداتی به فروش برسند، چون خیلی خوب امتحان پس داده بودند و کسانی که این ماک ها را داشتند آن قدر راضی بودند که خود تبدیل به تبلیغ خوبی برای ماک های ایرانی شدند. آنطور که خود او گفته، در مجموع قیمت ماک تولیدی او در اندازه های کوچک و بزرگ ۲۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان بود و با تریلر و تمام قطعات جانبی یک ماک ایران کاوه ۳۰۰ هزار تومان فروخته می شد، در حالی که ماک آمریکایی بدون تریلر حدود ۲۰۰ هزار تومان به فروش می رسید. او تا اوایل سی و ده های عمرش همچنان به ایران کاوه رفت و آمد می کرد و این کارخانه حلقه اتصال یکی از بزرگ ترین کار آفرین های تهران با برابانک بود.

دوران درخشان قندچی به عنوان صنعتگر ممتاز در برانکس رقم خورد و ایده های او برای ساخت کامیون های ایرانی در همین محله عملی شد. او نخستین کامیون را ساخت و در نمایشگاه دستاوردهای صنعتی ایران خودروهای ساخت خودش را به نمایش گذاشت. اصغر قندچی با پروانه ساخت کامیون در ایران کار خود را شروع کرد. پس از آن کار قندچی گرفت و به صنعتگر تبدیل شد. نام کارخانه را از شخصیت کاوه اهنگر گرفت و به عشق وطنش آن را «ایران کاوه» نامگذاری کرد. شرکت ماک آمریکا هم برای نخستین بار، خارج از خاک آمریکا حاضر به همکاری با اصغر قندچی شد. تلاشی که او برای بهبود کیفیت قطعات ماک انجام داد باعث شد کامیون های ماک ساخت ایران بهتر از ماک های وارداتی به فروش برسند، چون خیلی خوب امتحان پس داده بودند و کسانی که این ماک ها را داشتند آن قدر راضی بودند که خود تبدیل به تبلیغ خوبی برای ماک های ایرانی شدند. آنطور که خود او گفته، در مجموع قیمت ماک تولیدی او در اندازه های کوچک و بزرگ ۲۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان بود و با تریلر و تمام قطعات جانبی یک ماک ایران کاوه ۳۰۰ هزار تومان فروخته می شد، در حالی که ماک آمریکایی بدون تریلر حدود ۲۰۰ هزار تومان به فروش می رسید. او تا اوایل سی و ده های عمرش همچنان به ایران کاوه رفت و آمد می کرد و این کارخانه حلقه اتصال یکی از بزرگ ترین کار آفرین های تهران با برابانک بود.



بازار خرده ریزهای دوست داشتنی

بساطی های جمعه بازار پروانه، چیزهایی برای فروش دارند که مانندشان را به سختی می شود در جای دیگری پیدا کرد

فاطمه عباسی

باید قندچی خوابیدن تا لنگ طهر روز جمعه را بزنید، صبح زود به قصد جمعه بازار از خواب بیدار شوید تا یک روز خوش و هیجان انگیز برای خودتان بسازید. بین همه پاساژها و فروشگاه های لوکس، جمعه بازار پروانه از

آن جا هایی است که خریداران خودش را دارد و هر هفته از مشتری های پروا قریص پر و خالی می شود. البته چند سالی است که پارکینگ پروانه به دلیل مسائل امنیتی تعطیل شده و این جمعه بازار خاطر انگیز در باغ هنر از ارضی عباس آباد بر پا می شود که هم از نظر جای پارک و هم از نظر فضای بیشتر



اگر هنوز گذر تان به جمعه بازار باغ هنر نیفتاده و نمی دانید دقیقاً قرار است برای خرید چه چیزهایی به این بازار بروید، باید بگویم که انواع زیورات قدیمی، وسایل آنتیک، تابلو، گرامافون، تلفن های قدیمی، سکه و نوار کاست، کتاب و عکس های قدیمی، محصولات چرم، فرش های دستباف، فیروزه کوبی،

خرید و فروش وسایل دست دوم که هنوز چندان اسقاطی نشده اند و همچنان قابل استفاده به و در دیویروند در خارج از کشور کاملاً طبیعی و متداول است؛ همان چیزی که ما به آن سمساری یا امانت فروشی می گوئیم. اما این خرید و فروش وسایل



اگر هنر مندید و بعد از گشت و گذار در جمعه بازار دیدید که شما هم می توانید اینجا یک غرفه داشته باشید، دست دست نکنید و سریع به سایت جمعه بازار بروید و یک غرفه رزرو کنید.

به دلیل اینکه جمعه بازار پروانه در محوطه باغ کتاب برگزار می شود شما به امکانات متعددی دسترسی دارید. سرویس بهداشتی، کافه و رستوران، فضای سبز، پارکینگ، نماز خانه و اورژانس سیار بخشی از امکانات جمعه بازار تهران هستند.

رک و پوست کنده بگویم که باید بدانید قرار نیست اینجا همه چیز نصف قیمت یا زیر قیمت باشد. ولی چیزی که مهم است این است که اگر پول می دهید، بهترین چیزی را که می خواهید پیدا می کنید.

یادتان باشد هر کس زودتر به جمعه بازار برسد، جنس های بهتری نصیبش می شود. دیگر تقریباً تا طرف های ظهر جنس های تک را برده اند. پس اگر از آنهایی هستید که دوست دارید جنستان نظیر نداشته باشید، تنبلی نکنید و صبح زود از خواب بیدار شوید. جمعه بازار از ساعت ۹ صبح تا ۴ بعد از ظهر دایر است.



راه های رسیدن تا جمعه بازار

مکت

برای رسیدن به جمعه بازار مسیرهای مختلفی وجود دارد. ماشین شخصی انتخاب بسیار راحتی برای رسیدن به این بازار است. کافی است از مسیر بزرگراه همت شرق مسیر بزرگراه حقانی غرب را در پی بگیرید و از خروجی مجموعه فرهنگی و هنری عباس آباد وارد بلوار کتابخانه و باغ کتاب شوید. خبر خوب این است که باغ کتاب پارکینگ عمومی دارد و می توانید خودروهای خود را در آن پارک کنید و با خیالی راحت به گشت و گذار در جمعه بازار تهران بپردازید. اگر هم می خواهید با مترو به باغ هنر بروید، باید در ایستگاه متروی حقانی پیاده شوید. آنجا ورودی باغ کتاب و موزه دفاع مقدس است. در همان ابتدا تاکسی هایی برای رسیدن به جلو باغ هنر مستقر شده اند. همچنین این مسیر را می توانید پیاده روی کنید و از مناظر اطراف لذت ببرید. از میدان ونک هم برای باغ کتاب و باغ هنر تاکسی پیدا خواهید کرد.



محله وحیدیه با ۱۵۰ سال قدمت



نام محله وحیدیه بانام دماوند گره خورده؛ چون تهرانی ها وقتی می خواستند خودشان را به دماوند برسانند، باید از محله وحیدیه عبور می کردند؛ محله ای که یک قرن و نیم پیش، از روستاهای کوچکی چون فضاگانک، جوقین، شعیب آباد و اسماعیل آباد تشکیل شده بود و پرآب بود و آباد؛ آن قدر که کار مردمان ساکنش کشت و زرع بود و محصولات کشاورزی شان را برای فروش به دماوند و تهران می بردند. البته وقتی تهران گسترش یافت، این محله هم که روزگاری یکی از شرقی ترین ورودی - خروجی های پایتخت بود، به تهران پیوست.

تاریخش

از کوچه های باریک و خانه های کوچک قدیمی این محله، اینگونه برمی آید که چشم درباریان قاجار، این محله خارج از محدوده تهران را به خود نگرفته است؛ چون اگر مثل خیلی از محله ها به آن توجه می کرد، حتما عمارت های قجری بزرگ و درندشت را از خود به یادگار می گذاشتند. می گویند وحید السلطان مالک روستاهایی بوده که محدوده وحیدیه را تشکیل می داده؛ اما اطلاعات دقیقی از او در دسترس نیست. همین قدر از او می گویند که آن قدر در آبادانی این محله کوشید که اهالی نامش را روی محله شان گذاشتند.

گسترش فرهنگ در محله

از دهه ۳۰ خورشیدی جمعیت مردمان این منطقه افزایش یافت، اما امکانات شهری در این محله به چشم نمی آمد. در دهه ۴۰ جاده های خاکی محله وحیدیه را به تهران متصل کرد و وحیدیه به آن توجه می کرد، حتما عمارت های قجری و تازه کمی سروشکل شهری گرفت. در همین سال ها بود که ۱۲ دبستان پسرانه و دخترانه به نام های دبیم و شوریبد شیرازی در این محله تأسیس شد که بار فرهنگی محله را بالا برد. در همان دهه ۴۰ و در جوار مدرسه دبیم، کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سر برآورد که در رشد فرهنگی کودکان محله وحیدیه بسیار اثر گذار بود.

نماد کمک به هم نوح

یکی از بخش های مهم هر محله کوچه های آن است و محله وحیدیه هم پر است از کوچه های آشتی کنان و باریک و دوست داشتنی. اما یکی از کوچه های این محله، کوچه ای است که به نماد محبت میان هم نوحان تبدیل شده. می گویند وقتی در سال ۱۳۴۱ در بوئین زهرا زلزله آمد، ملکه هلند پس از بازدید از زلزله زدگان برای اتمام غم هم نوحان خود، زمینی وسیع در محله وحیدیه خرید و در آن خانه هایی متشکل شکل با نمای آجری قرمز ساخت و به بازماندگان امنی این حادثه تلخ بخشید. نام این کوچه در محله وحیدیه، به افتخار این حرکت انسان دوستانه، همچنان کوچه هلند است. از دیگر بناهایی که در این محله به هم وطن ارمنی مربوط است، کلیسای قدیمی تارمانچاگ است؛ جایی که شورای خلیفه گری ارمنه عمارت متر مربع از زمین های محله زرکش در وحیدیه را خرید و در سال ۱۳۴۶ شمسی این کلیسا را بنا کرد. نمای خارجی کلیسا با آجر قرمز پوشیده شده و دیوارهای داخلی آن با گچ تزئین شده است.

اکنونش

محله وحیدیه همچنان از محله های قدیمی با بافت فرسوده است که نیاز فراوانی به بازسازی دارد. این محل اکنون میان خیابان های سبلان، بزرگراه امام علی (ع)، شهیددانی و خیابان دماوند محصور است و تعداد قابل توجهی تعمیرگاه و صافکاری در آن وجود دارد. ایستگاه مترو، بوستان هایی مثل نسترن و بهارستان، مجتمع های تجاری و مراکز خرید و مساجدی مثل مسجد جامع فاطمیه از دیگر اماکن عمومی این محله است.

